

بررسی تطبیقی سوره عادیات در تفاسیر روایی فریقین

چکیده:

سوره عادیات یکی از سوره‌های قرآنی است که از لحاظ مکی و مدنی بودن آن در تفاسیر روایی فریقین اختلاف زیادی بیان شده است و همچنین درباره شأن نزول و سبب نزول این سوره گزارش‌های مختلفی نیز بیان شده است اما منشأ اصلی اختلاف و تضارب آراء همان روایاتی است که در زمره این سوره در تفاسیر فریقین گردآوری شده است، بنابر این برخی از مفسران فریقین زمان نزول و سبب نزول این سوره را بر مکی بودن قائلند زیرا که روایاتی را صحیح و سند را معتبر و متن را متقن‌تر و ضوابط و اختصاص را هماهنگ و ذکر معاد و قیامت را دال بر آن می‌دانند. اما برخی از دیگر مفسران فریقین زمان نزول و سبب نزول این سوره را مدنی می‌دانند دلیل آنها این است که می‌گویند خود محتوای این سوره و سیاق و قرینه حالیه این سوره و شواهد تاریخی این سوره با مدنی بودن بیشتر سازگار می‌باشد.

و همچنین سریه‌های که نسبت به بنی کنانه را به عنوان سبب نزول این سوره قرار داده شد این هم از لحاظ مضمون و دلالت ناتمام است زیرا بیشتر نام فرمانده ای آن سریه مجهول و غیر مذکورند، اما روایات فقط نام حضرت امام علی ابن ابیطالب علیه السلام را در غزوه ذات السلاسل برای فرماندهی جلوه‌گری می‌نماید، و نشان می‌دهد که این سوره عادیات بعد از غزوه ذات السلاسل نازل شده است و از محتوای آیات بیشتر با مدنی بودن هماهنگی دارد لذا سوره عادیات دال بر مدنی بودن است.

واژه کلیدی: تطبیقی، عادیات، تفسیر، مکی و مدنی، روایی، فریقین، قرآن کریم.



مقدمه:

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که از طرف خداوند متعال برای هدایت و سعادت‌مندی انسان بر قلب نازنین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردیده است، مدت نزول قرآن کریم در طول ۲۳ سال است که از طریق وحی تدریجی به وسیله جبرئیل امین نازل گردیده است که سیزده سال به نزول قرآن در مکه و ده سال به نزول قرآن در مدینه تعلق دارد، خداوند متعال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مبین قرآن و مفسر قرآن و مذكر قرآن قرار داده است «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم و لعلهم یتفکرون» سوره نحل، آیه ۴۴ تا این که آیات قرآن را بر مردم بخواند و تا از جاذبه آیات قرآن مردم به سمت اسلام جلب شوند. چونکه قرآن کریم عظیم و ذکر حکیم است و رشته ای پیوسته بین خدا و انسان و پیمانی استوار و سایه ای گسترده و راهی مداوم و بی انحراف که با معجزات درخشان و آیات واضح و حجت های راستین و دلایل شیوا و زبان دار، استدلال بطلان گران و حیلست گستران را باطل و زایل سازد و عقیدت و شریعت را تأیید کند، تا راه و روش دین روشن و چراغش فروزان و برکاتش همه گیر شود.

لذا قرآن کریم در آیات متعدد در مورد شناخت و صفات خود انسان را راهنمایی فرموده است و علاوه آن خصوصیات متعدد به همراه خود را داشته که تبیان لکل شیء است من جمله از آنها آگاهی از شأن نزول و سبب نزول آیات قرآن کریم است که دخالت شان در مکی یا مدنی بودن سوره ها اثر بیشتری دارد، چون که شناخت شأن نزول یا سبب نزول آیات قرآن از اعتبار مکی یا مدنی بودن سوره ها مطالب دقیق را تعیین و تشخیص می کند و حادثه های تاریخی و احکامات تشریعی را صراحتاً تبیین می کند. سوره عادیات یکصدمین سوره قرآنی است که از لحاظ ترتیب امروز در مصحف قرار دارد و کلمه عادیات تنها کلمه است که تمام منابع نام آن را استعمال نموده اند و بیست و دومین سوره ای است از آغاز سوره قسم خورده شده است و تمام آیات به صورت یک بار نازل گردیده است و از لحاظ تعیین زمان نزول این سوره اختلافات زیادی در میان مفسران فریقین وجود آمده است، بر این اساس می توان گفت که سوره عادیات یکی از مهمترین سوره های قرآنی است که درباره شأن نزول و سبب نزول آن بر اساس مکی یا مدنی بودن سوره اختلافات زیادی و گزارش های مختلفی در میان مفسران فریقین وجود دارد، منبع اصلی اختلاف و تضارب آراء روایاتی در نزد فریقین است که در زمره آن سوره عادیات آمده است که نشان دهنده بدون اختلاف مکی بودن آن سوره و شمار کمتری به اتفاق مدنی بودن آن سوره است، اما از لحاظ محتوای و سیاق و قرینه حالیه شاهد بر آن است سبب نزول این سوره با مدنی بودن بیشتر سازگار است.



طرح مسئله:

سوره عادیات از اعتبار مکی و مدنی بودن برای تعیین شأن نزول و مکان نزول و کشف مفاهیم حقیقی و مدلول دقیق آن تاثیر بیشتری در تعیین و حادثه تاریخی و مطالب احکامی را دارد، برای تعیین و تشخیص شأن نزول و مکان نزول و کشف مفاهیم حقیقی و مدلول دقیق آیات می توان موارد بیشتری را در نظر گرفت، اما مهمترین از آنها خود محتوای سوره و روایاتی که مفسر آن سوره است که اشاره کرد و بدین وسیله می توان شأن نزول را بر اساس مکی بودن یا مدنی بودن سوره عادیات را مشخص کرد، بنابر این آگاهی از شأن نزول و سبب نزول یکی از مهمترین قرائن برای فهم آیات و کشف مطالب به شمار می آید.

سوره عادیات من جمله از سوره هایی است که چند سبب نزول و شأن نزول برای آن گزارش شده است که مشهورترین از آن این است برخی از مفسران این سوره را مدنی به دلیل سخن از جنگ و جهاد در درون مدینه دانسته اند، اما برخی دیگر آن را مکی به دلیل اختصار آیات و سوره، کثرت اسلوب تاکید و الفاظ تثبیت معنی دانسته اند. بر این اساس این مقاله با بررسی روایات فریقین که دال بر مکی بودن یا مدنی این سوره است به دنبال ترتیب نزول و شأن نزول و ضوابط و خصوصیت نزول عادیات بررسی خواهیم کرد و علاوه بر آن سوره هایی که احتمال سبب نزول آن قرار داده شده و نام فرماندهی که متعلق به آن اشاره داده شده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مفردات الفاظ سوره عادیات:

عادیات: جمع عادیة از ریشه عدو است و به معنای دونده، جلودار سپاه، هجوم کننده است.

الضبح: به معنای نفس تند اسب، صدایی که نه حمحمه است و نه شیهه، آواز نفس اسب در حال دویدن است.

موریة: آتش افروزنده، آشکار کننده ی آتش.

قدح: جرقه، شراره، کشیدن چیزی به چیزی به خاطر آتش آوردن.

مغیرات: جمع مغیره و از ریشه اغاره است به معنای پراکنده کننده با شتاب و سرعت. حمله کردن است.

نقع: غبار ایستاده، آب مانده.

أثرن: نقل کردند و بردند.

وسطن: فعل لازم به معنای در وسط آمدن است و وقتی متعدی می شود به معنای در وسط گرفتن و محاصره کردن است.



کنود: کفور، ناسپاس، بی ظرفیت. زمین عقیم که گیاه گذاشتن در آن فائده ندارد و در برابر باران رحمت هیچ کشت و زرعی به دست نمی دهد یعنی در برابر الطاف الهی ناسپاس و بی توجه است.

بعثر: دگرگون شد، آشکار شد، نگاه کرد و بازرسی کرد، پراکنده و نابود ساخت، بیرون آورد و کشف کرد، برانگیخت آنچه در آن بود.

قبور: جمع قبر است و ناظر به مکانی است اجساد مردگان را از دید زنده گان مخفی می گزارند.

حصل: مأخوذ از تحصیل است و به معنای آشکار شدن و جمع شدن است، و به معنای میوه و محصولش بازگردانده می شود.

خبیر: آگاهی و دانایی در همه زمان و مکان. (ر. ک: قاموس قرآن، قرشی، ج ۴، ص ۳۰۷)

مفهوم شناسی سوره عادیات

خداوند متعال این سوره را با قسم عادیات شروع کرده است و این کلمه در غیر این سوره وجود ندارد، عادیات اسمی است که در اکثر مصاحف و کتاب های تفسیری برای این سوره آمده است، عادیات سوره ای است که بعد از سوگند ضعف های نوع انسان را و هم چنین کفر و بخل و دنیا پرستی به میان تبیین می شود و سر انجام با اشاره کوتاه و گویایی به مسأله معاد و احاطه علمی خداوند به بندگان سوره پایان می دهد. (ر. ک: الکشف و البیان، ثعلبی، ج ۱۰، ص ۲۶۸)

به الفاظ دیگر می توان این سوره را در سه بخش تقسیم کرد، بخش اول این سوره از حرکت اسبان، و بیرون آمدن آتش از سنگ، حمله و درمیان گرفتن دشمن صحبت به میان می آید که مجموعه این آیات یک حرکت به هم پیوسته را در قالب پنج سوگند به ذهن انسان متبادر می سازد. و در بخش دوم این سوره از ناسپاسی انسان نسبت به خداوند متعال توضیح داده می شود. و در بخش سوم این سوره از روز قیامت ذکر به میان آورده می شود.

شأن نزول سوره عادیات

شأن نزول سوره عادیات مشتمل بر داده هایی است که می توان بهره گیری از مباحث تاریخی و گزارش های مرتبط به دیگر برای تبیین و تحلیل آنها پرداخت و در نتیجه به وجوهی دیگر در پذیرش یا رد آنها به دست یافت. بنابر این درباره سوره عادیات برخی از روایات دلالت بر نزول مکی بودن آن می کند و برخی دیگر از روایات دلالت بر نزول مدنی بودن آن می کند که این موجب و سبب اختلافات بین مفسران فریقین شده است. (در منشور، سیوطی، ج ۱، ص ۶۹، و التمهید فی علوم القرآن، هادی معرفت، ج ۱، ص ۱۶۰) لذا علت



بروز اختلافات را باید در روایات ترتیب نزول و سبب نزول سوره عادیات را تفتیش کرد و سپس مورد بررسی قرار داد و در آخر نتیجه مکی بودن یا مدنی بودن اتخاذ نمود. لذا از اعتبار روایاتی که نزد فریقین وجود دارد دو شأن نزول برای این سوره عادیات بیان شده است بر همین اساس در اینکه این سوره مکی است یا مدنی است اختلاف نظر درمیان فریقین پیش آمده و مورد بحث قرار گرفته است.

شأن نزول اول سوره عادیات بر اساس روایات مکی بودن

برخی از مفسران فریقین معتقد هستند که سوره عادیات مکی است و منظور از مرکبهایی که به آن قسم خورده شده است اسبها و شترانی هستند که حجاج را به سمت عرفات می برند، و پس از انجام مراسم عرفات، به سوی مشعر حرکت می نمودند، و در صبح روز دهم به سمت منی روانه می شوند. بنابراین خداوند متعال به مرکبهایی که جهت انجام مراسم حج مورد استفاده قرار می گیرند، قسم یاد کرده است. خلاصه کلام این است که طبق شأن نزول اول، سوره عادیات مکی بودن است؛ اما اگر شأن نزول دوم را بپذیریم سوره مذکور مدنی بودن خواهد بود.

راویان روایات مکی بودن سوره عادیات

کسانی که قائل به مکی بودن این سوره شده اند می گویند که این سوره در مکه نازل گردیده است چونکه شواهد زیادی بر آن موجود است، راویان آن سعید ابن مسیب از امام علی (مقدمتان فی علوم القرآن، جفری، ص ۱۴) عطاء از ابن عباس (فضائل القرآن، ابن ضریس بجلی، ص ۳۳) ابن واقد (مفاتیح الاسرار، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۲۸ - ۱۳۳) ضحاک و ابوشیبه (تفسیر ماوردی، ماوردی، ج ۶، ص ۳۰۹) مجاهد (الفهرست، ابن ندیم، ج ۱، ص ۲۸) و زهری از محمد بن بشیر (الفهرست، ابن ندیم، ج ۱، ص ۴۲)، عکرمه و حسن بصری (الإتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۱، ص ۶۰) قتاده (همان) روایت علی بن ابی طلحه (همان) می باشند که روایات آنان دلالت بر مکی بودن سوره عادیات می کند.

ادله طرفداران مکی بودن سوره عادیات

شواهد سه گانه ای وجود دارد که نشان می دهد که سوره عادیات در مورد بحث مکی بودن است:

الف: سوگندهای متعدّد؛ می دانیم سوگندهای قرآنی غالباً در سوره های مکی منعکس شده است.

ب: کوتاه بودن آیات سوره عادیات؛ همان گونه که قبلاً اشاره شده که یکی از ویژگیهای سوره های مکی

بودن این است که آیات نازل شده در آن، غالباً کوتاه و کوبنده است.



ج: مضمون و محتوای سوره عادیات، قبلاً گفتیم که سوره‌های مکی معمولاً پیرامون مبدأ و معاد سخن می‌گویند، و سوره عادیات نیز سخن از معاد به میان آورده است.

بنابر این با توجه به نکات سه گانه فوق، می‌توان سوره عادیات را مکی دانست. البته اگر این سوره را مکی بدانیم منافاتی با شأن نزول اول ندارد، زیرا همان گونه که قبلاً گفته شد، می‌توان داستان غزوه ذات السلاسل را به عنوان مصداقی از مصادیق این سوره به شمار آورد. (سوگندهای پربار قرآن، مکارم، ص: ۳۲۰).

روایات مکی بودن سوره عادیات

در مقابل روایات مدنی بودن سوره عادیات از ابن عباس و سعید بن جبیر روایاتی آمده که نشان می‌دهد که سوره عادیات مکی است. «حدثني يونس بن عبد الأعلى الصدفي قال: اخبرنا ابن وهب، قال: ابو صخر عمر بن حنظله عن ابي معاوية البجلي عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس حدثه قال: بينما أنا في الحجر جالس أتاني رجل يسأل عن العاديات ضبحاً، فقلت له: الخيل حين تغير في سبيل الله فانفتل عني، فذهب الى علي ابن ابي طالب وهو تحت سقاية زمزم، فسأله عن العاديات ضبحاً فقال: إذهب فادعه لي فلما وقفت على راسه قال: تفتي الناس بما لا علم لك به، والله لكأنت أول غزوه في الإسلام لبدر، وما كان معنا الا فرسان، فرس للزبير و فرس للمقداد فكيف تكون العاديات ضبحاً إنما العاديات ضبحاً من عرفه إلى مزدلفه الى منى قال: ابن عباس فنزعت عن قولي و رجعت الى قال علي» جبیر از عبد الله عباس چنین نقل می‌کند که او گفت در حجره نشسته بودم مردی آمد و از عادیات سؤال نمود که چیست من گفتم اسبانند که بجنگ می‌روند و شب با قبیله باز آیند او رفت و حضرت امیر علیه السلام در زیر سقایه زمزم نشسته بود از او پرسید فرمود از کسی سؤال نموده ای گفت آری از عبد الله عباس پرسیدم او گفت اسبانی می‌باشند که به جنگ می‌روند حضرت گفت بروی را نزد من آر وقتی نزد او رفتم فرمود چرا فتوی می‌دهی به چیزی که نمی‌دانی این آیه در باره اول جنگی فرود آمد که در اسلام واقع شد و آن جنگ بدر بود و در آن دو اسب بیشتر نبود یکی مال مقداد و دیگر مال زبیر و دو اسب را عادیات نمی‌گویند مقصود از عادیات شتران حاجیانند که از عرفات به مزدلفه آیند و از مزدلفه به منی روند عبد الله عباس گفت از این قول برگشتم و همان کلام امام علی علیه السلام را قبول نمودم. (جامع البیان، طبری، ج ۳۰، ص ۳۴۷)

روایت دیگر ابن مسعود از طریق مجاهد عن مجاهد فی قول الله «والعاديات ضبحاً» قال ابن مسعود: هو فی الحج (ر. ک: جامع البیان، طبری، ج ۳۰، ص ۱۷۷) ابن مسعود می‌گوید نزول سوره عادیات در حج است.



نقد و بررسی روایات مکی بودن سوره عادیات

بر اساس قائلان این دیدگاه از آن جهت که مناسک حج در سر زمین مکه برگزار می‌شود و مدلول این روایت برمکی بودن این سوره اشاره دارد، با وجود این که سند این روایات به خاطر وجود اشخاصی مانند ابن مسعود و مجاهد و سعید بن جبیر و ابن عباس از طریق روایی مناسبی برخوردار است، اما روایت ابن عباس از طریق سعید بن جبیر با روایت او به واسطه عکرمه در تناقض است، بررسی سند روایت به لحاظ اشکال محتوایی یاد آوری کرد که این روایات به لحاظ متن لزوماً بر مکی بودن این سوره دلالت نمی‌کند هر چند در صورت اعتبار معیار مکانی تن داد که اگر مقصود از عادیات اسبهای حاجیان در مراسم حج باشد این انگاره در خود توجه نخواهد داشت زیرا که برگزاری حج مسلمانان در سال سیزده بعثت و قبل از هجرت پیامبر در اختیار نیست و نفس اسبهای مشرکان در آن زمان چیز بی ارزشی نداشت که خداوند متعال متعلق به آنها را قسم بخورد. ولی اگر منظور از کلمه عادیات حج گزاران مسلمان در سالهای آخر عمر پیامبر باشد بنابر محققان علوم قرآن سوره عادیات باید از سوره‌های مدنی باشد زیرا تقسیم سوره مکی و مدنی بر اساس زمان قائلان بیشتر برخوردار است (البرهان، زرکشی، ج ۱، ص ۲۷۴) و در قبال آن آیات و سوره که مرتبط با حوادث پس از هجرت در مکه یا پیرامون آن وقوع پیوسته است غالباً مدنی به حساب می‌آید، از این اعتبار می‌توان نتیجه به دست یافت که هیچ منافاتی ندارد که این سوره در دوران مدینه نازل شده باشد اما ارتباط با مراسم حج در سر زمین مکه نیز داشته باشد.

و ثانیاً سخن حضرت امام علی علیه السلام (از لحاظ تقدم و تأخر در رتبه کلام) نشان دهنده بر این است که این سوره پس از جنگ بدر نازل شده است،

و ثالثاً بر اساس روایات متعددی که از امامان معصوم علیهم السلام نقل شده است و نیز از اعتبار وثاقت روایات مورد تایید قرآن کریم است که مورد اطمینان قرار می‌گیرد، زیرا برای صحت و سقم روایات بهترین راه عرضه بر قرآن کریم است که اگر تایید قرآن باشد مورد قبول است و اگر مخالف قرآن باشد فالضربوا علی الجدار است. (تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج ۱، ص ۲۲۶)



شأن نزول دوم سوره عادیات بر اساس روایات مدنی بودن

بر اساس روایات مدنی بودن سوره عادیات برخی از مفسران فریقین قائل به شأن نزول این سوره این صورتی اند که می‌گویند که این سوره در قبال غزوه ذات السلاسل در سال هشتم هجری رخ داده و سوره عادیات به مناسبت این جنگ نازل شده است. توضیح این غزوه این صورتی است که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خبر دادند که دوازده هزار نفر از مشرکین دست به دست هم داده اند، و در سرزمین یابس، که دو سه روز تا مدینه راه بود، جمع شده اند و قصد حمله به پایتخت اسلام یعنی حمله به مدینه منوره را دارند. آنحضرت که هدفش حتی الامکان جلوگیری از جنگ و خونریزی بود و سعی می‌کردند که بر اساس تعالیم اسلام تا آنجایی که ممکن است مسائل را بدون برخورد نظام حل و فصل کنند، هر چند به هنگام لزوم، شجاعانه دفاع می‌کردند، هیأتی از بزرگان مسلمانان را به سمت مشرکان گسیل داشتند. فرستادگان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با سران مشرکان گفتگو کردند اما نتیجه ای خاص حاصل نشده و آنان همچنان اصرار بر جنگ و درگیری داشتند. هیأت اعزامی بازگشت، و گزارش کار خود را به عرض پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رساند. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از ناامیدی از ممانعت از جنگ، حضرت امام علی علیه السلام را طلبیدند تا مشکل گشای مسلمانان این مشکل را نیز حل کند.^۱

حضرت امام علی علیه السلام لشکری از مسلمانان تهیه کردند و به سمت دشمن حرکت کردند. از آنجا که لشکر اسلام شبانه و مخفیانه از مدینه حرکت کرده بود، دشمن متوجه نشد و در محاصره لشکر اسلام قرار گرفت. مسلمانان شب هنگام به دشمن حمله نمی‌کردند، بلکه صبر کردند تا خورشید طلوع کند و با طلوع صبح حمله خود را آغاز می‌کردند. دشمن که کاملاً غافلگیر شده بودند، تعداد زیادی کشته داد و بقیه به اسارت سربازان اسلام درآمدند. لشکریان پیروز اسلام برای جلوگیری از فرار اسرا آنها را با زنجیر به هم بستند و لذا این جنگ را ذات السلاسل نامیدند و سرفراز و پیروز به سمت مدینه حرکت کردند.

جالب این است که صبح روز پیروزی، در حالی که سربازان اسلام هنوز دو سه روز با مدینه فاصله داشتند، پیامبر اسلام، در نماز صبح پس از سوره حمد، سوره عادیات را تلاوت فرمودند. مسلمانان پس از نماز با تعجب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: یا رسول الله سوره جدیدی تلاوت فرمودید؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آری، این سوره اخیراً و به مناسبت پیروزی سربازان اسلام بر مشرکان عرب نازل گشته

۱- از آنجا که هر مشکلی در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پیش می‌آمد، با دست با کفایت حضرت علی علیه السلام حل و فصل می‌شد، بدین جهت آن حضرت معروف به «مشکل‌گشا» شدند. نه تنها در عصر حضرت رسول اکرم، بلکه در عصر خلفاء نیز چنین بود. و این ادعای ما نیست؛ بلکه خلیفه دوم بارها به این مطلب اعتراف کرده است. از جمله می‌گوید: «اللَّهُمَّ لَا تَبْقِیْ لِمُعْصِلَةٍ لَيْسَ لَهَا اَبْوَالُ حَسَنٌ؛ خدایا! به هنگام بروز مشکلی که برای حل آن ابوالحسن علی بن ابی طالب حضور نداشته باشد، مرا زنده نگذار!» و این جمله بارها توسط او تکرار شده است.



است و بزودی لشکریان اسلام پیروزمندانه و به همراه غنایم و اسیران وارد مدینه خواهند شد.

راویان روایات مدنی بون سوره عایات

راویانی که روایات شان به مدنی بودن سوره عادیات را دلالت می‌کند؛ می‌گویند که این سوره عادیات حقیقتاً در مدینه نازل گردیده است چونکه این سوره میان سوره واقعه و سوره معوذتین واقع شده است، من جمله از آنها ابن عباس از طریق ابوصالح (تاریخ یعقوبی، یعقوبی، ج ۲، ص ۴۳) و قتاده (زاد المسیر فی علم التفسیر، ابن جوزی، ج ۴، ص ۴۸۰) و مقاتل (مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۳۱) و ضحاک (تفسیر تبیان، طوسی، ج ۱۰، ص ۳۹۵) هستند.

ادله طرفداران مدنی بودن سوره عادیات

طرفداران مدنی بودن سوره عادیات می‌گویند که این سوره نمی‌تواند مکی باشد زیرا مسلمانان در مکه نه جهادی داشتند تا آیات سوره ناظر بر جنگ و نبرد آنان باشد. و نه حج گروهی و رسمی بود، تا آیات مذکور ناظر بر مرکبهای حجاج مسلمان باشد. هر چند مشرکان عرب در ایام حج در ماه ذی الحجه، حجب آمیخته با خرافات فراوان انجام می‌دادند. ولی آن حج ارزش چندانی نداشت که خداوند متعال بر مرکب حجاج آنها قسم یاد کند. و لذا بعید به نظر می‌رسد که این سوره مکی باشد.

روایات مدنی بودن سوره عادیات

(۱) مقاتل: بعث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم «سریه إلى حى من كنانة» واستعمل عليهم {المنذر بن عمر الانصار} فتأخر خبرهم فقال المنافقون: قتلوا جميعا فأخبر الله عنها، فأنزل الله و العادیات ضبحاً یعنی تلك الخيل. مقاتل می‌گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سره ای به سرکردگی منذر بن عمر انصاری به سوی طایفه ای از کنانه گسیل داشته بود دیری نگذشت و از آنها خبری نشد سپس منافقان گفتند همگی کشته شدند، خداوند متعال این سوره نازل فرمود و پیامبر اکرم از حال آنها با خبر کرد و اطمینان داد. (تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۰۲، و تفسیر الدر المنثور، سیوطی، ج ۶، ص ۳۸۳).

(۲) أخبرنا عبد الغافر بن محمد الفارسی، أخبرنا احمد بن محمد البستی، حدثنا محمد بن مکی، حدثنا اسحاق بن ابراهيم، حدثنا احمد بن عبده، حدثنا حفص بن جميع، حدثنا سماك عن عكرمة عن ابن عباس: أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بعث خيلاً فأسبغت شهراً لم يأتها منها خبر، فنزلت و العادیات



ضبحاً الی آخر سوره. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سره ای گسیل داشته بود ماهی گذشت و از اعزام شدگان به آن خبری نشد تا اینکه خداوند متعال سوره عادیات تا آخر سوره نازل فرمود. (تفسیر روح المعانی، آلوسی، ج ۱۵، ص ۴۴، و بحر العلوم، سمرقندی، ج ۳، ص ۶۰۸، و اسباب نزول القرآن، واحدی، ص ۴۸۹).

(۳) قبل نزلت السورة لما بعث النبي صلى الله عليه وآله وسلم علياً عليه السلام فأوقع بهم و ذالك بعد أن بعث عليهم مرارا غيره من الصحابة فرجع كل منهم إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و هو المروى عن ابي عبد الله عليه السلام في حديث طويل قال: و سميت هذه الغزوة ذات السلاسل لأنه أسر منهم و قتل و سبى و شد أسراهم في الجبال متكفين كأنهم في السلاسل و لما نزلت السورة خرج رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إلى الناس فصلى بهم الغداة و قرأ فيها و العاديات فلما فرغ من صلاته قال اصحابه هذه سوره لم نعرفها فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم نعم إن علياً ظفر بأعداء الله و بشرني بذلك جبرئيل في هذه الليلة فقدم على عليه السلام بعد أيام بالغنائم و الاسارى. اين سوره هنگامی نازل شده است پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم على ابن ابى طالب عليه السلام را به سوى قبیله ذات السلاسل فرستاد، بعد از آنکه چندین بار دیگران را فرستاده بود اما همه با شکست مواجه شده بودند، سپس پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم حضرت على عليه السلام را به سوى آنها فرستاد، و از ابى عبد الله عليه السلام همین روایت را در حدیث طولانی بیان شده است که این غزه را ذات السلاسل اسم گزاری کردند به این دلیل که عده ای کشته شدند و عده ای دیگر اسیران گشتند و اسیران را با ریسمان بستند، مثل اینکه آنها در زنجیر بودند و هنگامی این سوره نازل شد پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم آن وقت نماز صبح با جماعت بجا می آوردند و در هنگام نماز صبح خواندن سوره عادیات را تلاوت نمودند، بعد از پایان نماز مردم از پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم گفتند که ما این سوره را نمی شناسیم، پيامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند حضرت على عليه السلام بر دشمنان پیروز شد و جبرئیل امین پیروزی حضرت على السلام را به من بشارت داد، چند روز گذشت دیدند که امام على عليه السلام با اسیرانی که گرفته بودند و غنائم جنگی که به دست آورده بودند برگشتند. (تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۰۳).



نقد و بررسی روایات مدنی بودن سوره عادیات

هر چند که بعضی از دانشمندان و مفسران فریقین بر اساس روایات مدنی بودن سبب نزول را ایراد گرفته اند و می‌گویند که این سه روایات همگی جنگ‌هایی اشاره دارد که در مدینه رخ داده است، در حالیکه روش هشدار و تهدید، نظم و ضبط بسیار آهنگین و نیز محتوای سوره بر مکی بودن دلالت می‌کند و علاوه بر آن روایات گذشته از لحاظ سند مخدوش و معیوب اند، لذا مفسرانی که با وجود به مخدوش و معیوب بودن روایات، در تفاسیر خودشان جاه داده اند اما قائل به غیر معتبر آن هستند. مانند ابن کثیر که این روایات را ناآشنا و غریب می‌داند (تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ص ۴۴۶) و روایات سوم هم از سند ضعف دارد و از لحاظ متن مرسل است اگرچه از امام صادق علیه السلام منسوب شده است، زیرا در تفسیر مجمع البیان آمده است که از آیت الله طبرسی تا امام صادق علیه السلام سلسله راویان مشخص نیست و نیز عبارت «فی حدیث طویل» در خود متن حدیث بخشی از افتادگی مطالب حدیث خبر می‌دهد، بنابر این روایات نمی‌توان روایات مدنی به عنوان سبب نزول این سوره شود زیرا در سلسله سند آن افراد غیر موثق و غیر معتمد وجود دارند یا اینکه آن روایات به طور مرسل بیان شده است.

در پاسخ می‌توان گفت که در خصوص این روایات می‌توان بخش مدنی بودن این سوره را اضافه کرد و بر روایت اول و دوم درخور و بایسته اعتناء کرد و بر روایت سوم که صاحب مجمع البیان به صورت مرسل نقل کرده اند اما با کمی تفکر و تدبیر در منابع حدیثی و تفسیری شیعه که قبل از طبرسی نوشته شده جستجو کرد، علاوه بر آن از حیثیت سند {از روایان فریقین} تا امام صادق علیه السلام که طریقه‌های گوناگونی بیان شده و نیز از لحاظ جنبه‌های محتوای این سوره متن کامل و چگونگی این واقعه واقع شده است مفصل بیانگر است، لذا می‌توان در نتیجه گفت که این تمام شواهد و دلائل مؤید و مصدق سبب نزول مدنی بودن این روایات است. (ر. ک: تفسیر قمی، علی ابن ابراهیم، ج ۲، ص ۴۳۴ تا ۴۳۸، و تفسیر فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، ص ۵۹۹، و تفسیر جامع البیان، طبری، ج ۱، ص ۳۸۳، و تفسیر کنز الدائق، قمی مشهدی، ج ۱۴، ص ۴۰۳ تا ۴۰۹، و نور الثقلین، عروسی حویزی، ج ۵، ص ۶۵۲، ۷۴/ تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۵، ص ۳۶۵). و از جهت دیگری خود متن و محتوای این سه روایات با یکدیگر و با هم هیچ منافاتی ندارند بلکه همه به یک جنگ اشاره می‌کنند آن جنگی که درباره آن خبری به مسلمانان حتی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نرسیده بود، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متعلق به آن جنگ خیلی نگران بودند که سپس خداوند متعال برای دلجوئی کردن و رساندن خبر موفقیت لشکریان اسلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به صورت آیه نازل کرد.



بنابر این هر سه روایات بر مدنی بودن این سوره اعلام می‌کند و هیچ جایی بر مکی بودن این سوره اظهار نمی‌کند، و ثانیاً خود محتوای آیات مانند (فالمغیرات صباحاً: سوگند به اسبانی که [سواران بر آنها] به وقت سپیدی دم غارت کننده اند) اجازت نمی‌دهد که سبب نزول این سوره مکی باشد زیرا محتوای این آیات با مکی بودن سازگار نمی‌باشد، ثالثاً با وجود به تمامی اشکالاتی که بر مدنی بودن این سوره بیان شده است، هیچ ممانعتی بر مدنی بودن این سوره نمی‌شود زیرا خود معنای واژه عادیات اسبان تندرو و اسبان جنگی در بین مفسران و لغویان (ر.ک: الجامع الأحکام القرآن، قرطبی، ج ۲۱، ص ۱۵۲، و تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۱۰، تفسیر الکشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۷۸۶) مشهور و شناخته شده است، رابعاً عام بودن مفهوم و مفاد روایات منافاتی با نزول آن در مورد خاص نمی‌شود، همان طوری که ممکن است که بسیاری از آیات از لحاظ مفهوم عام باشد اما از لحاظ مصداق که اتم آن است خاص می‌باشد، بر این اساس نمی‌توان عمومیت آیات را نفی بر سبب نزول یا شأن نزول قرار داد. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۵، ص ۳۴۵) لذا اگر روایتی با سلسله سند از یکی از معصومین علیهم السلام گزارش شده و مدلود آن با مضمون سوره هم سو و هم جهت باشد و قرائن پیوسته و متصل نیز با زمینه نزول آن سوره هماهنگ و هم جهت باشد در حکم سبب نزول یا شأن نزول آن قرار خواهد گرفت. (مهندسی فهم و تفسیر قرآن، حیدری فر، ص ۴۷ تا ۴۹).



بررسی سبب نزول سوره عادیات در سریه ها

الف: بررسی سبب نزول در سریه ای که بدون اسم فرمانده و مقصد ذکر شده است: زیرا برای سبب نزول سوره عادیات با کلمه «فنزلت» در ذیل روایات آن آمده است، سریه ای است که پس از گذشت یک ماه خبری در مورد آن سریه نشده، روایتی که از ابن عباس در مورد این سبب نزول نقل شده است ولی در آن جزئیات دیگری مانند اسم فرمانده و هدف و مقصد این سریه یا علت یا زمان وقوع این سریه در آن نیامده است. (تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۸، ص ۴۴۶. و لباب النقول، سیوطی، ص ۲۶۳. و زاد المسیر، ابن جوزی، ج ۴، ص ۴۸۰، و فتح الباری، ابن حجر، ج ۸، ص ۵۹۹).

بررسی: با توجه به نکات مذکور این سریه در مدینه رخ داده است که آن وقت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مدینه می‌بودند، پس این اشاره به مدنی بودن این سوره را دارد، از آنجایی که در این سریه اسم فرمانده و مقصد بیان نشده است، اطلاعات بیشتری پیرامون زمان و یا سبب نزول این سوره از این روایات نمی‌توان استنباد کرد و سپس نمی‌توان مباحث تاریخی را بیشتر از این روایات بهره گیری کرد.





ب: بررسی سبب نزول برای جنگ بدر: حاکم جشمی در تفسیر خود با کلمه «قیل» نزول سوره عادیات را برای جنگ بدر ترسیم می‌کند و برای دلیل آن سخن ابن عباس درباره عادیات از گفتگوی حضرت امام علی علیه السلام را عنوان می‌کند. (التهدیب فی التفسیر، حاکم جشمی، ج ۱۰، ص ۷۵۱۳).

بررسی: ارتباط نزول سوره عادیات برای جنگ بدر قابل قبول نمی‌باشد زیرا در جنگ بدر تعداد اسب‌های جنگی مسلمانان خیلی کم بوده است (المغزی، واقدی، ج ۱، ص ۲۷. الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۲، ص ۲۴). لذا این امر با سیاق آیات این سوره که در حکایت از حمله و هجوم اسبها در جنگ دارد سازگار نمی‌باشد، و از سوی دیگر گزارش‌هایی که در ضمن بیان حوادث جنگ بدر و نزول آیات متعلق جنگ بدر بیان شده اشاره ای در مورد سوره عادیات در ضمن آن مطرح نشده است. (المنتظم، ابن جوزی، ج ۲، ص ۲۲۱)

ج: بررسی سبب نزول برای سریه به سوی بنی کنانه اما بدون مذکور اسم فرمانده: یکی از اسباب نزول این سوره سریه ای بنی کنانه است درباره آن اشاره شده است (التفسیر البسیط، واحدی، ج ۲۴، ص ۲۳۷) اما در این منقول کدام دسته ای از مردم کنانه که مقصد این سریه بوده اند اشاره نشده است، علاوه بر آن زمان و اسم فرمانده نیز در این سریه بیان نشده است.

بررسی: با توجه به فقدان اطلاعات تفصیلی پیرامون این سریه در مورد بنی کنانه و دیگر بسیار گستردگی نژاد بنی کنانه (جمل من أنساب الاشراف، بلاذری، ج ۱۱، ص ۸۳) و پراکندگی فروان محل استقرار بنی کنانه در جزیره عرب نمی‌توان در خصوص سبب نزول این سوره را قرار داد، اما می‌توان مراجعه به منابع تاریخ که هر چند اندکی در مورد این سریه اشاره دارد استخراج نزول سوره عادیات را در این سریه تا حدودی ارزیابی قرار داد. (ر. ک: تاریخ الإسلام، ذهبی).

د: بررسی سبب نزول سوره عادیات در سریه ای که فرمانده مسبب بن عمر به سوی کنانه قرار داده شد: برخی محققان فریقین این عنوان فرماندهی مسبب بن عمر را از مقاتل بن سلیمان نقل می‌کنند و می‌گویند که مسبب بن عمر از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فرماندهی برای سریه ای به حی من بنی کنانه اعزام شد، مدتی گذشت اما خبری متعلق به آنها دریافت نشد سپس خداوند متعال با نزول این سوره عادیات به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را با خبر کرد. (اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۳۲ و الأصابه، ابن حجر، ج ۳، ص ۴۲۱).

بررسی: در کتابهای متعدد و در منابع رجالی فردی به نام مسبب بن عمرو به عنوان صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سخنی یافته نمی‌شود. (ر. ک: قاموس الرجال، شوشتری / معرفه الصحابه، ابونعیم)





معجم الصحابه، ابن قانع/ الطبقات الكبرى، ابن سعد/ سير اعلام النبلاء، ذهبی/ تاریخ الصحابه الذين روى عنهم الاخبار، ابن حبان، الاستيعاب فى معرفة الاصحاب، ابن عبد البر) که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم او را به عنوان فرماندهی در این سریه قرار داده باشند و نیز هیچ سخنی از نزول سوره عادیات در شان نزول او بیان نشده است، لذا بر اساس نقل مذکور نمی توان این سوره عادیات را در مورد سبب نزول آن را قرار داد. و ثانیاً آنچه که ابن اثیر و ابن حجر او را یکی از نقباء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم گفته اند این هم قابل پذیرش نیست چرا که در منابع تاریخ نقباء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم دوازده تن ذکر شده اند (ابن هشام، ج ۲، ص ۹۰) ولی این منابع از وجود فردی به نام مسبب بن عمرو از نقباء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مشمول قرار نمی دهد.

۵: بررسی سبب نزول سوره عادیات در سریه ای که فرمانده منذر بن عمر به سوی کنانه قرار داده شد: برخی دیگر محققان و مفسران قرآن کریم برای سبب نزول سوره عادیات منذر بن عمرو را نشان می دهند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم او را به سوی بنی کنانه (اما بدون اشاره به نژاد خاصی از بنی کنانه) فرماندهی معین نموده بودند (تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۵، ص ۵۲۸/ اسباب النزول، واحدی، ص ۳۴۹/ تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۸۰۱).

بررسی: بر اساس کتاب های متعدد و شواهد تاریخی مربوط به فرماندهی منذر بن عمر برای سریه ای به سوی کنانه اشاره ای نشده است (اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۹۶/ الاصابه، ابن حجر، ج ۳، ص ۴۶۰) البته در تاریخ فقط در سریه ای بئر معونه از فرماندهی منذر بن عمرو تذکره شده است (تاریخ طبری، طبری، ج ۲، ص ۲۱۹/ تاریخ یعقوبی، یعقوبی، ج ۲، ص ۷۲) بر این اساس سبب نزول سوره عادیات را باید ناظر به سریه بئر معونه قرار داد، اما حوادثی که در ضمن سوره عادیات اتفاق افتاده و حوادثی که در سریه بئر معونه اتفاق افتاده است قابل انطباق نمی باشد.

و: بررسی سبب نزول سوره عادیات در سریه ای که فرماندهی در آن به حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام را سپرده شد (اگر چه اختلاف در نام سریه بین محققان و مفسران قرآن دارد): سبب نزول سوره عادیات در سرپرستی و فرماندهی حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام عنوانی است که در تاریخ ثبت شده است و لو اینکه این سبب نزول به شکل های مختلف و جزئیات متفاوت در منابع روایی و تاریخی نقل شده است من جمله از آنها روایت امام صادق علیه السلام (ر. ک: تفسیر قمی؛ قمی، ج ۳، ص ۱۷۲ تا ۱۷۷/ تفسیر فرات، کوفی، ص ۵۹۹ تا ۶۰۳) و روایت سلمان فارسی (تفسیر فرات، کوفی، ص ۵۹۳ تا ۵۹۸) و روایت ابوذر (تفسیر فرات، کوفی، ص ۵۹۲ و ۵۹۳) و گزارش شیخ مفید و گزارش شهر ابن آشوب قابل ذکر است.





بررسی: شایان ذکر این است که علاوه بر آن روایات و گزارشها، منابع متعدد دیگری هم وجود دارد که نشانگر بر این است که نزول سوره عادیات در شأن حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام در جنگ ذات السلاسل نازل شده است. (اعلام الوری، طبرسی، ص ۲۰۴/ الخرائج و الجرائح، راوندی، ج ۱، ص ۱۶۷ و ۱۶۸/ ارشاد القلوب، دیلمی، ج ۲، ص ۶۷ و ۶۸).

نتیجه گیری:

با بررسی دقیق معلوم شد که سوره عادیات یکی از سوره های قرآنی است که برای تعیین زمان نزول و سبب نزول اختلافات زیادی بین مفسران فریقین به وجود آمده است که منشأ اصلی سبب اختلاف فریقین درباره سبب نزول این سوره همان روایاتی اند که برخی از آن دال بر مکی بودن آن سوره و برخی دیگر از آن دال بر مدنی بودن آن سوره هستند، کسانی که بر مکی بودن این سوره قائل اند می گویند که با بررسی روایات ترتیب نزول قرآن و روایات صحیح سبب نزول قرآن و ضوابط و خصوصیات این سوره و سند معتبر و متن متقن روایات و تذکره معاد و قیامت در عادیات این همه دال بر مکی بودن این سوره است، اما در پاسخ گفته شد که در گام اول ما مستلزم هستیم که منابع نقلی را مثل روایات ترتیب نزول قرآن و سبب نزول قرآن مورد توجه قرار بگیریم و سپس متن و محتوا و سند آن را بررسی کنیم و آنگاه قواعد و ضوابط و خصائص سوره های مکی و مدنی بودن آن سوره می توان در نظر گرفت،

هر چند که برخی از روایات ترتیب نزول قرآن و سبب نزول قرآن و برخی دیگر ضوابط و خصائص این سوره نشانگر بر مکی بودن این سوره است، اما دلائلی که بر مدنی بودن این سوره بیان شده این بوده است که با بررسی عمیق و نگاه به اطراف و بر محتوای این سوره و در نظر گرفتن معنای الفاظ این سوره، و شواهد تاریخی و قرائن پیوسته و گسسته که در منابع امامیه منقول شده است نشان دهنده و تقویت دهنده بر این نکته است که زمان نزول سوره عادیات مدنی است نه مکی.

علاوه بر آن بررسی و تحلیل سریه هایی که در مورد بنی کنانه به عنوان سبب نزول این سوره قرار داده بود غیر قابل قبول می باشد زیرا که اکثر فرماندهان آن سریه مجهول و غیر معروف بودند، اما فقط روایاتی که در غزه ذات السلاسل حضرت امام علی علیه السلام را به فرماندهی این سریه جلوه گری می نماید و زمان نزول این سوره را برای ما معین می کند قابل قبول است.





منابع و مآخذ:

١ قرآن کریم

- ٢ ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابه، دار الفکر، بیروت لبنان، ١٤٠٩ق.
- ٣ ابن حبان، محمد بن حبان، تاریخ الصحابه الذین روی عنهم الاخبار، دار الکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤٠٨ق.
- ٤ ابن حجر، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، دار الکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤٢٤ق.
- ٥ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الأصابة فی تمییز الصحابه، دارالکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤١٥ق.
- ٦ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، دار الکتب العربی، بیروت لبنان، ١٤٢٢ق.
- ٧ ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، دار الکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤١٩ق.
- ٨ ابن ضریس بجلی، محمد بن ایوب بجلی، فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمکة و ما أنزل بالمدينة، دار الفکر، دمشق سوریه، ١٤٠٤ق.

- ٩ ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفۃ الاصحاب، دار الجیل، بیروت لبنان، ١٤١٢ق.
- ١٠ ابن قانع بغدادی، عبد الباقي، معجم الصحابه، دار الفکر، بیروت لبنان، ١٤٢٤ق.
- ١١ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم «ابن کثیر»، دار الکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤١٩ق.
- ١٢ ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، دار المعرفۃ، بیروت لبنان، ١٣٩٤ش.
- ١٣ ابن هشام، محمد، السیره النبویه، دار الکتب العربی، بیروت لبنان، ١٤٢٠ق.
- ١٤ ابونعیم، احمد بن عبد الله، معرفۃ الصحابه، دار الکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤٢٢ق.
- ١٥ المنتظم، ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، دار الکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤١٢ق.

- ١٦ آلوسی، محمود بن عبد الله، تفسیر روح المعانی، دار الکتب العلمیۃ، بیروت لبنان، ١٤١٥ق.
- ١٧ بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الأشراف، دار الفکر، بیروت لبنان، ١٤١٧ق.
- ١٨ ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، بیروت لبنان، ١٤٢٢ق.
- ١٩ جفری، آرتو، «ابن عطیه عبد الحق بن غالب، مقدمتان فی علوم القرآن، مکتبه الخانجی، قاهره مصر، ١٣٩٢ق.
- ٢٠ حاکم جشمی، محسن بن محمد، التهذیب فی التفسیر، دار الکتب المصری، قاهره مصر، ١٤٤٠ق.
- ٢١ حویزی، عبد علی جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم ایران، ١٤١٥ق.
- ٢٢ حویزی، عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، دار الکتب العربی، بیروت لبنان، ١٤٢٢ق.
- ٢٣ حیدری فر، مجید، مهندس سی فهم و تفسیر قرآن، موسسه بوستان کتاب، قم ایران، ١٣٩٤ش.
- ٢٤ دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، الشریف الرضی، قم ایران، ١٣٧١ش.
- ٢٥ ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الإسلام، دار الکتب العربی، بیروت لبنان، ١٤٠٩ق.





۲۶ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، بیروت لبنان، ۱۴۱۴ق.

۲۷ راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، مؤسسة النور، بیروت لبنان، ۱۴۱۱ق.

۲۸ زركشى، محمد بن بهادر، البرهان فى علوم القرآن، دار المعرفة، بیروت لبنان، ۱۴۱۰ق.

۲۹ زمخشري، محمود بن عمر، تفسير الكشاف، دار الكتاب العربى، بیروت لبنان، ۱۴۰۷ق.

۳۰ سمرقندى، نصر بن محمد، بحرالعلوم یا تفسير سمرقندى، دار الفكر، بیروت لبنان، ۱۴۱۶ق.

۳۱ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، لباب النقول فى اسباب النزول، دار الکتب العلمیة، بیروت لبنان، ۱۳۹۰ش.

۳۲ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تفسير الدر المنثور، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم ایران، ۱۴۰۴ق.

۳۳ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الإتقان فى علوم القرآن، دار الكتاب العربى، بیروت لبنان، ۱۴۲۱ق.

۳۴ شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، مؤسسة النشر الإسلامی، قم ایران، ۱۴۱۰ق.

۳۵ شهرستانی، محمد بن عبد الكريم، مفاتيح الأسرار و مصابيح الأبوار، مركز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط،

تهران ایران، ۱۳۸۷ش.

۳۶ طبرسى، فضل بن حسن، تفسير مجمع البيان فى تفسير القرآن، دار المعرفة، بیروت لبنان، ۱۴۰۸ق.

۳۷ طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم ایران، ۱۳۷۶ش.

۳۸ طبرى، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ طبرى، اساطیر، تهران ایران، ۱۳۶۲ش.

۳۹ طبرى، محمد بن جریر، جامع البيان فى تفسير القرآن، دار المعرفة، بیروت لبنان، ۱۴۱۲ق.

۴۰ طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، دار الإحياء التراثی، بیروت لبنان، ۱۳۸۹ش.

۴۱ فیض کاشانى، محمد بن شاه مرتضى، تفسير الصافى، مكتبة الصدر، تهران ایران، ۱۳۷۳ش.

۴۲ قرشى، على اكبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران ایران، ۱۳۷۱ش.

۴۳ قرطبی، محمد بن احمد، تفسير الجامع الأحكام القرآن، ناصر خسرو، تهران ایران، ۱۳۶۴ش.

۴۴ قمی، على ابن ابراهيم، تفسير القمى، دار الكتاب، قم ایران، ۱۴۰۴ق.

۴۵ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسير كنزالدقائق والبحر الغرائب، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، تهران ایران،

۱۳۶۷ش.

۴۶ كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفى، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، تهران ایران، ۱۴۱۰ق.

۴۷ ماوردی، على بن محمد، الكنت و العيون تفسير الماوردی، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد على بیضوى،

بیروت لبنان، ۱۳۹۲ش.

۴۸ معرفت، محمد هادی، التمهيد فى علوم القرآن، موسسه فرهنگى انتشاراتى التمهيد، قم ایران، ۱۳۸۸ش.

۴۹ مقاتل بن سليمان، تفسير مقاتل بن سليمان، دار إحياء التراث العربى، بیروت لبنان، ۱۴۲۳ق.

۵۰ مكارم شیرازى، ناصر، سوگندهای پربار قرآن، مدرسه الإمام على ابن ابیطالب، قم ایران، ۱۳۸۶ش.

۵۱ مكارم شیرازى، ناصر، تفسير نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران ایران، ۱۳۸۰ش.

